

## آموزش محصل محور و چالش‌های آن در تحصیلات عالی افغانستان

پوهنځیار الله محمد هڅاند

دیارتمنت ساینس، پوهنځی تکنالوژی معلوماتی و مخابراتی، پوهنتون کابل، کابل، افغانستان  
ایمیل: amhassand@gmail.com

### چکیده

تدریس به روش سنتی، نداشتن مهارت‌های لازم برای بهره‌مندی در بازار کار و بعضی عوامل دیگر سبب شده که هزاران فارغ‌التحصیل پوهنتون‌های افغانستان بدون شغل باشند. روش‌های فعلی تدریس در پوهنتون‌های افغانستان پاسخ‌گوی خواسته‌های امروزی در بازار کار نیست و مورد انتقاد جامعه می‌باشند. برای حل این مشکل در اکثر پوهنتون‌های جهان از آموزش محصل محور استفاده می‌شوند. هدف از این تحقیق بررسی چالش‌های موجود برای تطبیق آموزش محصل محور در تحصیلات عالی افغانستان است. نتایج نشان می‌دهد که نصاب‌های تحصیلی محتوا محور، رایج بودن روش‌های سنتی، نبود لابراتوارها و کتابخانه‌های مجهز، عدم استفاده از تکنالوژی معلوماتی، عدم آگاهی بعضی اساتید و محصلان از فواید آموزش محصل محور و هم‌چنان عدم نظارت تحصیلات عالی از تطبیق آموزش محصل محور در پوهنتون‌ها از جمله چالش‌های آموزش محصل محور در تحصیلات عالی افغانستان است.

اصطلاحات کلیدی: آموزش محصل محور؛ آموزش مبتنی بر نتایج؛ تحصیلات عالی؛ ویژگی‌ها؛ ارزیابی

## Student-Centered Learning and its Challenges in Afghanistan's Higher Education

Jr. Teaching Asstt. Allah Mohammad Hassand

Department of Science, Faculty of Information and Communication Technology, Kabul  
University, Kabul, Afghanistan  
Email: amhassand@gmail.com

### Abstract

Traditional teaching methods and a lack of essential skills for workforce integration have left thousands of Afghan university graduates unemployed. The existing teaching approaches within Afghan universities are out of sync with the contemporary labor market demands and have faced societal critique. Student-Centered Learning, widely adopted by universities worldwide, presents a potential solution to address this issue. This research explores the challenges of implementing Student-Centered Learning within Afghanistan's higher education system. The findings reveal a range of obstacles, including curriculum content focus, the persistence of traditional teaching methods, inadequate laboratory and library resources, limited utilization of information technology, little awareness among some educators and students regarding the benefits of Student-Centered Learning, and a lack of higher education oversight in the implementation of this approach in universities. These challenges underscore the need for comprehensive reforms to align Afghan higher education with modern pedagogical practices.

**Keywords:** Student-Centered Learning; Outcome-Based Education; Higher Education; Attributes; Assessment

## مقدمه

سرمایه معنوی کشور برای انکشاف ملی متکی به موفقیت تلاش‌های تحصیلات عالی دارای یک سیستم مؤثر و باکیفیت عالی می‌باشد. البته کلید انکشاف اقتصادی، کیفیت تحصیلات عالی است؛ نه تعداد محصلان، سطح فراغت و جذب محصلان در تحصیلات عالی. نیازمندی فزاینده به تحصیلات عالی از مهم‌ترین موارد رشد کمی نهادهای تحصیلی به‌شمار می‌رود. نهادهای تحصیلی نیازمند برنامه‌ریزی آینده‌نگر، ارتقای کیفیت مداوم و بهبود روش‌های کاری خود اند؛ از جمله لازم است تا برنامه‌ریزی درسی، شیوه‌های تدریس محصل‌محور، تحقیق، سازمان‌دهی، نحوه ارائه خدمات و اداره بهتر را قابل انعطاف و به‌روز ساخت.

هرسال از پوهنتون‌های افغانستان در حدود چهل هزار محصل فارغ‌التحصیل می‌شوند، اما به علت نداشتن مهارت‌های مانند حل مسئله، ارتباطات، تفکر انتقادی، اعتماد به‌نفس، رهبری و غیره برای بهره‌مندی در بازار کار آماده نیستند (NSIA, 2021). بدین ملحوظ وزارت تحصیلات عالی افغانستان به‌عنوان یک نهاد پالسی‌ساز برای پوهنتون‌های افغانستان در سراسر کشور، تصمیم گرفت تا تغییرات مثبتی را در نصاب درسی پوهنتون‌ها و روش‌های تدریس اساتید در همه پوهنتون‌ها به‌میان آورد که پوهنتون‌ها؛ محصلان مستعد، ماهر، خلاق، مبتنی بر نیازمندی‌های جامعه و عصر جدید را فارغ‌التحصیل نماید؛ تا سازگاری با بازار کار داشته باشند. پوهنتون‌ها باید روی داشتن فرصت‌های شغلی بهتر برای محصلان، افراد حرفه‌ای با قابلیت‌های قابل‌توجه به بازار تمرکز کنند. روش‌های تدریس فعلی در پوهنتون‌های افغانستان پاسخ‌گوی خواسته‌های امروزی در بازار کار نیست و مورد انتقاد جامعه می‌باشند. علاوه براین؛ اکثر اساتید درحال حاضر از روش تدریس سنتی پیروی می‌کنند که عمدتاً استادمحور در پوهنتون‌ها است. این روش‌ها در واقع، محصلان را از فرصت‌های شغلی، فرصت‌های ادامه تحصیلات عالی و مهارت‌های که در بازار بسیار مورد استقبال قرار می‌گیرد، جدا می‌کند (HEDP, 2016).

برای پاسخ‌گویی به چالش‌های قرن بیست و یکم، در اکثر پوهنتون‌های جهان از آموزش محصل‌محور (Student centered learning) استفاده می‌شوند. آموزش محصل‌محور به‌طور گسترده در کشورهایمانند مالیزیا، ایالات متحده امریکا، استرالیا، آفریقا و اروپا برای تغییر در روش‌های آموزشی سنتی به روش‌های فعال ترویج شده است. تا همین اواخر تمایل زیادی برای ارزیابی کیفیت در درجه اول از نظر ورودی‌ها و فعالیت‌ها وجود داشت؛ اما اکنون تمرکز از ورودی‌ها به خروجی‌ها (اهداف و نتایج) تغییر یافته است. یعنی، آموزش محصل‌محور همیشه بر آن‌چه که محصلان به‌دست می‌آورند و می‌آموزند،

به جای نتایجی که استاد انتظار دارد و می‌خواهد در پایان برنامه به آن دست یابد، تأکید می‌کند (Akramy, 2021; Mayer, 2022; Yusoff et al., 2013a).

آموزش محصل محور در سرتاسر جهان بسیار موفق بوده است؛ زیرا محصلان که زیر سایه آموزش مبتنی بر نتایج (Outcome-Based Education)، آموزش دیده‌اند، می‌توانند به بسیاری از دست‌آوردهای قابل توجه مانند ارتباطات، یادگیرندگان فعال، تفکر انتقادی، مهارت‌های کارآفرینی و به بسیاری از توانایی‌های دیگر دست یابند. چنین محصلان فارغ‌التحصیل توانسته‌اند وظیفه پیدا کنند و برای دیگران اشتغال‌زایی کنند. این اصل وسیعاً پذیرفته شده است که شیوه‌های «آموزش فعال» محصلان را برای آمادگی زندگی کاری آینده‌ی شان را بلند می‌برد (HEDP, 2016; WorldBank, 2015).

### روش تحقیق

این مقاله با روش علمی مروری و کتابخانه‌ای انجام شده است و در تهیه‌ی آن از انواع کتاب‌ها، مجلات، مقالات و سایت‌های معتبر مانند وب‌سایت اداره ملی احصائیه و معلومات افغانستان، وب‌سایت وزارت تحصیلات عالی افغانستان و گوگل اسکالر استفاده شده است.

### مفهوم و ویژگی‌های آموزش محصل محور

آموزش محصل محور مدلی است که در آن محصلان در مرکز فرایند یادگیری قرار می‌گیرند و اساتید صرفاً به عنوان تسهیل‌کننده عمل می‌کنند و هدف شان ارائه دستورالعمل‌های مبتنی بر نیاز محصلان، یادگیری مشارکتی و مشارکت از طریق یادگیری فعال است که نسبتاً برعکس آموزش سنتی است. روش محصل محور به عنوان مدل اصلی کمک‌کننده در زمینه آموزش مبتنی بر کیفیت و نیاز جوامع در دنیای چالش برانگیز امروزی، محبوبیت پیدا کرده است (Abdullah et al., 2012). آموزش محصل محور در اوایل قرن بیستم ظهور کرد و برای اولین بار توسط هیوارد (Hayward) در سال ۱۹۰۵ میلادی این مفهوم معرفی شد که در سال ۱۹۵۶ توسط دیویی (Dewey) مورد استفاده قرار گرفت و بعداً توسط راجرز (Rogers) و سایر متخصصین برجسته تعلیم و تربیه مانند فرویب (Froeb) ، پایجیت (Piaget) و نولز (Knowles) به یک نظریه در تدریس گسترش یافت. برندز (Brandes) و جینیس (Ginnis) در کتاب تحت عنوان (راهنمای یادگیری آموزش محصل محور) اصول اساسی یادگیری محصل محور طور ذیل بیان نموده‌اند.

۱. یادگیرنده مسئولیت کامل یادگیری خود را دارد.
۲. سهم‌گیری و مشارکت برای یادگیری ضروری است.
۳. ارتباط خوب بین یادگیرندگان باعث رشد و توسعه آن‌ها می‌شوند.

۴. استاد تبدیل به یک فرد تسهیل کننده و منبع می شود.

۵. در آموزش حوزه های عاطفی و شناختی باهم رشد می کند.

۶. یادگیرنده در نتیجه تجربه یادگیری، خود را متفاوت می بیند.

از طریق روش یادگیری محصل محور، یادگیرندگان نقش منفعل خود را به نقش فعال تر تبدیل می کنند، مسیر خود را در یادگیری در نظر می گیرند و با استاد رابطه متقابل برقرار می کنند (Rehna et al., 27, March 2018; Yusoff et al., 2013a). در آموزش محصل محور به جای این که محصلان مطالبی را بیاموزند که هیچ ارتباطی با آن ها و زندگی آن ها ندارد. آن ها فرصت یادگیری و استفاده از دانشی را دارند که مستقیماً با مسائل و مشکلات پایدار و نوظهور در زمینه های زندگی واقعی مرتبط است و بستری را فراهم می کند که آن ها از طریق سؤال و جواب، ارتباط، تفکر انتقادی و حل مسئله می آموزند. آموزش محصل محور می تواند اشکال مختلفی داشته باشد؛ اما ویژگی های شان مشترک است. برخی از ویژگی های آموزش محصل محور قرار ذیل است (Abdullah et al., 2012).

۱. مرکز فعالیت محصلان می باشد؛
۲. استاد نقش تسهیل کننده را ایفا می کند؛
۳. برنامه های آموزشی متناسب با هر محصل؛
۴. تأکید بر یادگیری پروژه محور؛
۵. ارتباط میان برنامه درسی و علایق محصلان؛
۶. ارزیابی به عنوان ابزاری برای سنجش یادگیری و کمک به رشد محصلان؛
۷. بسترهای بازخورد معنی دار برای محصلان؛
۸. انعطاف پذیری و سازگاری؛
۹. آموزش به شکل مشارکتی و گروهی صورت می گیرد؛
۱۰. محصل مسئولیت پذیر، استقلال و پاسخ گویی کامل در قبال یادگیری خود دارد؛
۱۱. محصلان بیدار و متحرک اند؛
۱۲. آموزش از طریق عمل و تجربه صورت می گیرد؛
۱۳. آموزش تحلیلی است؛
۱۴. در آموزش تمام حواس سهم دارد؛
۱۵. محصلان بانشاط و باحساس قوی می باشد؛
۱۶. درس با علاقه مندی و نیازمندی روزمره می باشد.

در آموزش محصل محور روی یک محتوای خاص از جنبه کاربردی تأکید می‌شود؛ یعنی وقتی محصلان چیزی می‌آموزند، با استفاده از فعالیت‌های گوناگون در داخل و خارج از صنف، باید آن را عملی کنند. وقتی روش تدریس محصل محور و مبتنی بر نتایج توسط اساتید در پوهنتون‌ها استفاده می‌شوند، آن را مفید و آموزنده می‌یابند زیرا در چنین روشی هم اساتید و هم محصل به‌طور کامل در فرآیند آموزش سهیم می‌شوند. آموزش مبتنی بر نتایج یک فرایند آموزشی است که تلاش می‌کند تا محصلان به نتایج مشخصی در نتیجه مشارکت در فرایند یادگیری به‌دست آورند؛ یعنی به محصلان استقلال بیش‌تری داده می‌شود تا خودشان درباره درس‌های شان تصمیم بگیرند. علاوه براین؛ محصلان بخشی از یادگیری هستند؛ بنا براساس انتظارات آن‌ها از درس برای به‌دست آوردن نتایج مورد نظر به آن‌ها اهمیت بیش‌تری داده شود (Klemenčič, 2017).

یادگیری محصل محور عمدتاً مبتنی بر نظریه سازنده‌گرایی یادگیری است که بر این ایده بنا شده است که یادگیرندگان باید دانش را بسازند و بازسازی کنند تا به‌طور مؤثر یاد بگیرند، با یادگیری مؤثر که به‌عنوان بخشی از یک فعالیت، یادگیرنده ساختن یک محصول معنی‌دار را تجربه می‌کند. همان‌طور که اشاره شد، برنلدز و جینیس، برخی از ویژگی‌های یک صنف درسی آموزش محصل محور را بیان می‌کنند که در میان آن‌ها یادگیرنده باید مسئولیت کامل یادگیری خود را بر عهده بگیرد، در فعالیت‌های صنف اشتراک و باهم‌صنفيان خود همکاری کند. این فعالیت‌ها به‌نوبه خود رشد و توسعه را تضمین می‌کنند و یادگیرنده خود را در نتیجه تجربه یادگیری متفاوت می‌بیند. علاوه بر ویژگی‌های فوق، لی (Lea)، استفنسون (Stephenson) و تروی (Troy) بر نیاز به تأکید بر یادگیری و درک عمیق، احترام متقابل در روابط استاد و یادگیرنده و رویکرد معکوس به فرایند آموزش و یادگیری از سوی استاد و یادگیرنده تأکید می‌کنند. به محصلان باید آموزش داده شود که فرایند یادگیری خود را از طریق مشارکت در فعالیت‌های مشارکتی و صنفی، نظارت کنند تا در نهایت مسئولیت بیش‌تر و بیش‌تری را برای یادگیری خود بر عهده بگیرند که نقش استاد باید یکی از افراد تسهیل‌کننده باشد. چارچوب زیر پیشنهاد می‌کند که هنگام تعریف آموزش محصل محور، هفت مؤلفه زیر باید در نظر گرفته شود (Abdullah et al., 2012; TB & (Mohd Yusoff, 2010; Yusoff et al., 2013a).



شکل ۱: چارچوب آموزش محصل محور

هر یک از این ابعاد در زیر توضیح داده شده است:

#### توانمندسازی یادگیرندگان (مستقل، نظارت، مسئولیت‌پذیری)

توانمندسازی یادگیرنده به این صورت تعریف شده است: کسی که باید برای انجام وظایف انگیزه داشته باشد و به‌طور خاص، یک فرد توانمند، با وظایف به‌طور معنی‌دار برخورد می‌کند، برای انجام دادن فعالیت صنفی خوش می‌شود و احساس می‌کند تلاش‌های او بر روی طرح تأثیرگذار است. از این رو یادگیرندگان توانمند، یادگیرندگانی هستند که آگاه و درگیر فعالیت هستند.

#### اشتراک محصلان

اشتراک محصلان زمانی اتفاق می‌افتد که محصل مسئولیت یادگیری خود را بر عهده می‌گیرند. محصلان مشترک، محصلاتی هستند که علی‌رغم چالش‌ها و موانع در فعالیت اشتراک می‌کنند و از انجام دادن فعالیت خود لذت می‌برند. محصلاتی که اشتراک می‌کنند، سهم شخصی در فعالیت دارند. به‌طور خلاصه، آن‌ها در فعالیت‌های شخصی معنی‌دار و مرتبط شرکت می‌کنند. مشارکت محصلان در یادگیری را می‌توان از طریق شرکت در کار پروژه‌ی یادگیری مشارکتی، یادگیری عملی، نمایش، تحقیق فعال و استفاده از مهارت‌های تفکر مرتبه بالاتر افزایش داد.

## یادگیری مشارکتی

یادگیری مشارکتی وضعیتی است که در آن دو یا چند نفر باهم چیزی یاد می‌گیرند یا تلاش می‌کنند چیزی را بیاموزند. در اصل؛ یادگیری مشارکتی شامل کار در یک گروه است که پایه دانش و مجموعه مهارت‌های یکدیگر را بهبود و تقویت می‌کند.

### نقش استادان

در آموزش محصل محور استادان نقش منبع، هم‌آموز، مشوق، برنامه‌ریز و تسهیل‌کننده را ایفا می‌کند. تسهیل‌کننده کسی است که یادگیری را بین یادگیرندگان آسان می‌کند. برای تشویق به تفکر و درک محتوا، از یادگیرندگان سؤالاتی پرسیده می‌شود. یک تسهیل‌کننده فعال کسی است که به‌طور خستگی‌ناپذیری یادگیرندگان را با سؤالاتی بررسی می‌کند که تفکر و درک آن‌ها را توسعه می‌دهد. یک شخص منبع کسی است که آگاه و در صورت درک اشتباه از درس، به مکانی تبدیل می‌شود که یادگیرندگان می‌توانند به آن مراجعه کنند و به دنبال توضیح باشند. یک هم‌آموز در طول تمرین تعامل با یادگیرندگان به تحقیق و ماجراجویی می‌پردازد، درحالی‌که یک مشوق یادگیری را با تشویق یادگیرندگان از طریق ارتباطات تعاملی با دیگر یادگیرندگان، ترویج می‌کند. از سوی دیگر، برنامه‌ریز کسی است که برای درس آماده می‌شود، مواد را برای فعالیت‌های صنفی انتخاب می‌کند، عکس‌العمل یادگیرندگان را پیش‌بینی می‌کند و در صورت بروز مشکلات در طول فعالیت‌ها، همیشه آماده طرح‌های جایگزین است. در نهایت، مودلی که ویژگی‌ها و رفتارهای شخصی او مانند شایستگی اجتماعی به‌عنوان یک الگوی زنده خوب برای یادگیرندگان معرفی می‌شود. چون یادگیرندگان ممکن است از او تقلید کنند تا به افراد مثبت تبدیل شوند (Purwandari et al., 2018).

### مهارت‌های تفکر مرتبه بالاتر

مهارت‌های تفکر مرتبه بالاتر را می‌توان به‌عنوان مهارت تفکری تعریف کرد که در سطوح بالاتر سلسله مراتب فرایند شناختی رخ می‌دهد. طبقه‌بندی بلوم پذیرفته‌شده‌ترین سلسله مراتبی در تعلیم و تربیه است که می‌توان آن را به‌عنوان تداومی از مهارت‌های تفکر در نظر گرفت که با سطح تفکر دانش شروع می‌شود و در نهایت به سمت ارزیابی تفکر حرکت می‌کنند. این نشان‌دهنده استراتژی درجه بالاتر برای بررسی و نظارت بر عملیات ذهنی، تسهیل تفکر خلاق و انتقادی و توسعه تخصص است. مهارت تفکر مرتبه بالاتر به محصلان نیاز دارد که اطلاعات و ایده‌ها را به‌گونه‌ای تنظیم کنند که معنی و مفاهیم آن‌ها را تغییر دهد. این دگرگونی زمانی رخ می‌دهد که محصلان واقعیت‌ها و ایده‌ها را به‌منظور ترکیب، تعمیم، توضیح، فرضیه‌سازی یا رسیدن به نتیجه یا تفسیری ترکیب کنند. تنظیم اطلاعات و ایده‌ها از طریق این

فرایندها به محصلان اجازه می‌دهد تا مسائل را حل کنند، معنی و درک جدید برای آن‌ها کشف کنند. تفکر انتقادی، خلاق، سازنده نیز با مهارت تفکر درجه بالاتر همراه است. تفکر انتقادی به عنوان تفسیر و ارزیابی ماهرانه و فعال مشاهدات، ارتباطات، اطلاعات و استدلال تعریف می‌شود و در سطح بالایی از طبقه‌بندی بلوم قرار دارد که شامل ترکیب، تجزیه و تحلیل و ارزیابی می‌شوند. این مهارت تفکر فرایندی است که در جهت معینی به سمت بالا پیشرفت می‌کند. در سطح اول، محصل باید دانش، اطلاعات یا موقعیت داده شده را به طور انتقادی تجزیه و تحلیل کند. سپس آن‌ها باید به طور خلاقانه گزینه‌های ممکنه مرحله بعدی را در نظر بگیرند و در نهایت، آن‌ها یک تصمیم و یک محصول جدید می‌سازند.

یکی دیگر از مؤلفه‌های مهارت تفکر مرتبه بالاتر، یادگیری عمیق است که به مهارت‌های تفکر، استدلال و قضاوت به طور گسترده‌ای قابل اجرا اشاره دارد. توانایی‌هایی که به افراد اجازه می‌دهد اطلاعات را به کار ببرند، یک جهان‌بینی منسجم ایجاد کنند و به روش‌های معنی‌دارتری تعامل داشته باشند. هم‌چنین یادگیری است که با وظایف شناختی درجه بالاتر مرتبط است. در فرایند یادگیری عمیق، تفکر عمیق صورت می‌گیرد. تفکر عمیق به کاربرد ایده‌های هدف‌مند و آگاهانه یک یادگیرنده در جهت یادگیری معنی‌دار اشاره دارد. درک عمیق زمانی اتفاق می‌افتد که محصلان درک نسبتاً پیچیده‌ای از این مفاهیم اصلی پیدا می‌کنند تا دانش عمیقی را نشان دهند. محصلان زمانی بر دانش مسلط می‌شوند که بتوانند با کشف روابط، حل مشکلات، ساختن توضیحات و نتیجه‌گیری، دانش جدیدی تولید کنند. درک سطحی توسط محصلان زمانی اتفاق می‌افتد که محصلان از دانش برای ایجاد تمایزات، استدلال‌ها، حل مشکلات و توسعه درک پیچیده‌تر از سایر موضوعات مرتبط استفاده نمی‌کنند یا نمی‌توانند استفاده کنند (Abdullah et al., 2012).

### روش‌ها و استراتژی‌ها

در آموزش محصل محور، بسیاری از استادان از رویکرد انعکاسی استفاده می‌کنند که عبارت است از خودسازی، خودسازگاری و بازنگری در فرایند یادگیری که نتیجه آن به نفع استاد و محصل است. جدا از این‌ها، محصل درگیر کار واقعی می‌شود. برای اشتراک فعال و فعالیت در مورد وضعیت زندگی واقعی، به آن‌ها زمان خاصی اختصاص داده می‌شود تا در این مورد نظریات شخصی خود را بهبود دهد. سایر رویکردها شامل اشکال متعدد هماهنگی‌های است که استفاده از مهارت‌های تفکر سطح بالاتر مانند تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزیابی در طول یادگیری خودسازمان‌دهی می‌باشد. این امر به تفکر یادگیرندگان کمک می‌کند تا آگاهانه نسبت به چگونگی تفکر، احساس، عملکرد و تنظیم آگاهانه یادگیری خود آگاه باشند که هم‌سو و مرتبط با سطح علاقه و شایستگی آن‌ها است (Al Faruki et al., 2019). هم‌چنان

استادان از روش‌های مختلف ارتباطی برای هدایت محصلان در تنظیم سطح فعالیت‌های دشواری در مطابقت با شایستگی آن‌ها، استفاده می‌کنند. این امر باعث تقویت ارتباط فعال بین استاد و محصلان می‌شوند. استاد باید برای برآوردن نیازهای مختلف محصلان با در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی آن‌ها، برای درس برنامه‌ریزی کند. استادان باید از تفاوت‌های فردی محصلان در آموزش محصل محور به نحو خوبی و به‌طور مثبت استفاده کنند و با اختصاص دادن فعالیت‌های گروهی و مشارکتی، تشویق آن‌ها، احترام به افکار سایر هم تیمی‌ها، آن‌ها را باهم ترکیب کنند. علاوه براین؛ رویکردهای عملی تشویق می‌شوند و یک آموزشی بین فرهنگی صورت می‌گیرد تا با عادت‌های متفاوت، رفتارها، فرهنگ و ارزش‌ها مطابقت داشته باشد و به آن‌ها اجازه می‌دهد فرهنگ مربوطه خود را از دیدگاه خود تعریف و با دیگران به اشتراک بگذارند (al Ghouti, 2022).

### ارزیابی

ارزیابی محصلان در آموزش محصل محور با روش سنتی متفاوت می‌باشد. تعریف وسیع ارزیابی شامل تمام فعالیت‌هایی است که استاد و محصلان در ارزیابی خود انجام می‌دهند و اطلاعاتی را ارائه می‌دهد، تا به عنوان فیدبک برای اصلاح فعالیت‌های آموزشی و یادگیری که در آن شامل هستند، استفاده شوند. دو نوع رایج ارزیابی مورد استفاده، ارزیابی تکوینی و ارزیابی جمعی است. اولی به ارزیابی انجام شده برای تعیین دانش و مهارت‌های محصل، از جمله شکاف‌های یادگیری در حین پیشرفت در یک واحد مطالعه اشاره دارد، در حالی که دومی به ارزیابی اشاره دارد که در پایان یک واحد مطالعه انجام می‌شود تا سطح درکی را مشخص کند که محصل به دست آورده است (Yusoff et al., 2013b).

### محدودیت‌های تطبیق روش محصل محور در نهادهای تحصیلات عالی افغانستان

نهادهای تحصیلات عالی کشور با این که دست‌آوردهای چندی در طول حدود یک دهه اخیر داشته است، چالش‌ها و مشکلات فراوانی نیز فرا راه آن قرار داشته و دارد. نصاب‌های تحصیلی محتوا محور، رایج بودن روش‌های سنتی و به روش محصل محور نبودن صنف‌های درسی به علت کوچک بودن صنف‌ها، نبود لابراتوارهای مجهز، کتابخانه‌های دارای منابع اندک و نبود تکنالوژی معلوماتی کافی از جمله مشکلات جدی و مبرمی هستند که سیستم تحصیلات عالی با آن‌ها مواجه می‌باشد. با در نظر داشت موارد فوق اثرات یادشده هنوز هم در برخی فعالیت‌های آکادمیک سایه انداخته و تطبیق فعالیت‌های معیاری آکادمیک را کند ساخته است. با افزایش کمی محصلان، کم‌بود کادر متخصص و کارا، نبود منابع و زیرساخت‌های معیاری کافی و فعال، کم‌بود تسهیلات آموزشی، خلای شدید در عرضه و تقاضای نیروی بشری ورزیده و ماهر در رشته‌های ساینس و تکنالوژی را نام برد.

در کشورهای درحال توسعه در مورد تطبیق آموزش مبتنی بر نتایج دو مشکل واضح یافته شده است. اول این که اکثریت اساتید در مورد آموزش محصل محور و آموزش مبتنی بر نتایج به خوبی و یا هیچ آموزش ندیده و از اصول آموزش محصل محور برای پیاده سازی در صنف های درسی خود آشنا نیستند. در پوهنتون های افغانستان اساتید که تازه استخدام شده اند، در مورد آموزش مبتنی بر نتایج بسیار کم آگاهی دارند؛ چون آن ها در زمان تحصیل در پوهنتون های افغانستان به روش سنتی آموزش دیده اند و به همان شیوه های سنتی معمولاً با استفاده از روش لکچر تدریس می نمایند. آموزش اساتید در کشورهای درحال توسعه مانند افغانستان به منظور ایجاد اصلاحات مثبت در سیستم های آموزشی یک نیاز مبرم است. دوم، صنف های کوچک حاوی تعداد زیادی محصلان با سروصدای زیاد و ازدحام جمعیت، مانع دیگری است، برای محصلان و اساتید برای به کارگیری روش های آموزشی مدرن و فعال که در صنف های شان وجود دارد، زیرا این نوع صنف ها فرصت کمتری را برای اساتید فراهم می کند تا به صورت انفرادی با محصلان خود کمک و راهنمای کنند تا در پروسه آموزش سهم فعال داشته باشند. چنین مشکلاتی در پوهنتون های افغانستان وجود دارد که تطبیق آموزش محصل محور را در صنف های مزدحم احتمالاً غیرممکن می سازد (Mohayidin et al., 2008).

در تمامی پوهنتون های خصوصی و دولتی افغانستان، سیستم آموزشی به روش سنتی دنبال می شود که هیچ مزیتی برای محصلان و اساتید نداشته است. اساتید همیشه در صنف های خود مقابل محصلان و بدون استفاده از انواع فعالیت ها که جنبه های کاربردی دارند، سخنرانی می کنند. از سال ۲۰۱۶، وزارت تحصیلات عالی افغانستان تلاش کرده است تا اساتید پوهنتون ها را برای آموزش در مورد آموزش محصل محور به کشور مالیزیا بفرستد و بعد از برگشت، سایر اساتید را با دانش و مهارت هایی که آموخته اند، تربیت نماید.

اساتید که سال ها در پوهنتون های افغانستان به روش سنتی و با استفاده از میتود لکچر و محتوا محور تدریس می کنند. این کار برای آن ها به یک عادت تبدیل شده است و ترک این گونه عادت کار آسان نیست. هم چنان اساتید که تازه در پوهنتون ها استخدام شده اند؛ با تقلید از سایر اساتید و روش های تدریس در زمان محصلی، روش های تدریس سنتی را دنبال می کنند. بنابراین وزارت تحصیلات عالی باید با تدویر سمینارها، ورکشاپ ها و آگاهی دهی در زمینه آموزش محصل محور، مهارت های اساتید را بلند ببرد. پیاده سازی هر پدیده جدید در جامعه در ابتدا مشکلات خود را دارد و رویکرد آموزشی محصل محور به عنوان یک روش آموزشی جدید در ابتدا چالش های خود را خواهند داشت.

بنابراین وزارت تحصیلات عالی برای تطبیق هرچه بهتر و مؤثرتر این رویکرد آموزش باید در پوهنتون‌ها از آن به شکل متواتر نظارت نماید.

علی‌رغم فواید زیاد آموزش محصل محور، چالش‌های وجود دارد که در آموزش محصل محور محصلان و استادان با آن روبرو خواهند شد، بعضی چالش‌های احتمالی آموزش محصل محور در رابطه با محصلان و اساتید در زیر یادآوری شده است.

### چالش‌های مربوط به محصلان در آموزش محصل محور

۱. محصلان از اشتباه کردن در فعالیت‌های آموزش محصل محور می‌ترسند؛ زیرا ممکن است بر نمرات آن‌ها تأثیر بگذارد. راه‌حل این مشکل تشویق و بلندبردن اعتماد به نفس محصلان در فعالیت‌های مشارکتی آموزش محصل محور است.
۲. عدم آگاهی محصلان از فواید آموزش محصل محور و نتایج آن توسط آگاهی دادن از فواید و مزیت‌های آموزش محصل محور می‌توان این چالش را از بین برد.
۳. فرهنگ ضعیف مطالعه یکی دیگر از چالش‌های آموزش محصل محور است که با ترویج فرهنگ مطالعه، کارخانگی و فعالیت‌های مربوط به مطالعه و کتابخانه‌ای این چالش را می‌توان برطرف کرد.
۴. محدودیت‌های زبانی چالش دیگری است در آموزش محصل محور که با تشویق محصلان در چنین فعالیت‌ها و داشتن یک فرصت مناسب برای یادگرفتن و آشنایی با زبان‌هایی مختلف، می‌توان بر این چالش غلبه کرد (Rehna et al., 27 March 2018).

### چالش‌های مربوط به استادان در آموزش محصل محور

تدریس کار آسانی نیست، زیرا استاد در تدریس با عوامل مختلف و متعددی سروکار دارد که کنترل مجموعه‌ی آن‌ها ممکن است محیطی را به وجود آورد که در آن یادگیری مطلوب و مؤثر صورت گیرد. بدون شک عواملی هم‌چون شخصیت استاد زمینه‌های علمی و تجربی او، اهمیت موضوع درس و مسائل بی‌شمار دیگری در کیفیت تدریس استاد تأثیر دارند. تدریس به روش سنتی و عدم آشنایی اساتید با آموزش فعال و محصل محور یکی از مشکلات دیگری در نظام آموزشی تحصیلات عالی کشور است. بلند رفتن سطح دانش و مهارت‌های پیداکوژیکی اساتید پوهنتون‌ها هدفی است که تمام پوهنتون‌ها در سراسر جهان می‌خواهند به آن دست یابند. ارتقای سطح دانش و مهارت‌های پیداکوژیکی استادان پوهنتون‌ها هدفی نیست که به افغانستان محدود باشد، بلکه تلاشی است که اکثر پوهنتون‌ها با زحمت بسیار زیاد به آن می‌پردازند. استادان باید برای ارتقای سطح آموزش محصلان و به حد اعلی رسانیدن توانایی آن‌ها به منظور رفع نیازمندی‌های جوامع خویش تلاش کنند. آشنایی با روش‌ها، فنون تدریس و

الگوهای تدریس که جزو فعالیت‌های آموزشی محسوب می‌شوند و به‌کارگیری آن‌ها، موجب می‌شود که هدف‌های تعلیم و تربیت با سهولت بیش‌تر و در مدت‌زمان کوتاه‌تری تحقق یابند. بعضی چالش‌های آموزش محصل‌محور در رابطه با اساتید در زیر یادآوری شده است.

۱. درجه‌بندی ارزیابی فردی آسان است؛ درحالی‌که درجه‌بندی کارگروپی محصلان دشوار خواهد بود، به‌خصوص اگر معیار ارزیابی و درجه‌بندی وجود نداشته باشد. برای حل این چالش، معیارهای ارزیابی باید ایجاد شود تا بین شرکت‌کنندگان فعال و غیرفعال براساس ماهیت کارگروپی و مشارکتی تمایز قائل شود.

۲. عدم علاقه‌مندی بعضی محصلان در فعالیت‌های مشارکتی آموزش محصل‌محور. این چالش را می‌توان از طریق تشویق، بلند بردن اعتماد به‌نفس و اهمیت اشتراک محصلان در فعالیت‌های مشارکتی برطرف کرد.

۳. طرح کردن فعالیت‌های مشارکتی مناسب با درنظرداشت رده‌بندی بلوم. این یکی دیگر از چالش‌های عمده‌ی آموزش محصل‌محور است که برای غلبه بر این مشکل استاد باید توانایی و مهارت‌های لازم برای طرح فعالیت‌های مشارکتی با درنظرداشت محصلان و رده‌بندی بلوم را داشته باشند.

۴. مدیریت زمان و کنترل صنف بزرگ با گروپ‌های مختلف محصلان یکی دیگر از چالش‌های است که در تدریس سنتی کم‌تر این چالش به‌نظر می‌رسد. برای رفع این مشکل استاد باید قوانین و دستورالعمل‌های واضح کارهای مشارکتی و گروپی را برای محصلین بیان نماید تا در جریان فعالیت‌های مشارکتی آن‌را در نظر داشته باشند (Rehna et al., 27 March 2018).

### آموزش محصل‌محور مبتنی بر رویکرد آموزش معتبر

یکی از ویژگی‌های آموزش محصل‌محور، آموزش مبتنی بر رویکرد آموزش معتبر می‌باشد. وقتی محصلان و استادان در این مورد فکر می‌کنند که چه چیزی را محصلان می‌توانند بیاموزند که به‌راستی معتبر و ارزش‌مند باشد، جواب‌شان شامل این نکته می‌گردد که بالای نوع آموزش "یاد بگیرد و به‌خاطر داشته باش" تمرکز نکنید. بسا اوقات، محصلان و استادان بر چیزهای مانند تفکر انتقادی، آموختن این‌که چگونه دانش فراگرفته شده از کورس را خلافتانه باید به‌کار برد؛ حل کردن مشکلات زندگی واقعی؛ تغییر دادن طرز تفکر محصلان در مورد خودشان و دیگران؛ درک اهمیت آموزش مادام‌العمر و غیره تأکید می‌کنند. بعد از سال‌ها مطالعه در مورد پاسخ‌های مردم به این سؤال که چه چیزی آموزش معتبر را می‌سازد، من رده‌بندی آموزش معتبر را پیشنهاد کرده‌ام که شامل شش نوع عمده آموزش معتبر همراه با کتگوری‌های فرعی می‌شود. این رده‌بندی در شکل ذیل نشان داده‌شده است. رده‌بندی بلوم (Bloom's)

(Taxonomy) انواع معتبر آموزش را شناسایی می‌کند که به عنوان اهداف مهم آموزشی در کورس باید در نظر گرفته شود. در آموزش محصل محور از اساتید انتظار می‌رود تا نتایج یادگیری را با توجه به طبقه‌بندی بلوم تنظیم و طراحی نماید (HEP-AF, 2010).

در آموزش و تدریس به روش سنتی محصلان اکثراً بسیاری از دانش‌های اساسی را بعد از آن‌که در لکچر می‌شنوند، در نهایت بعد از سپری کردن امتحان فراموش می‌کنند. شاید محصلان بتوانند محتوا را از لکچر بیاموزند، اما در آموختن این‌که چگونه به صورت انتقادی تفکر کنند، نه تمرین کرده می‌توانند و نه هم نظر اصلاحی به دست آورده می‌توانند. بنابراین باید از خود پرسیم که چه چیزی را واقعاً محصلان ما باید بعد از تکمیل کردن دوره‌ی تحصیلی به یاد داشته باشند. طوری که فنک (Fink) پیشنهاد می‌کند نوع دانش و مهارت‌هایی که به یاد محصلان هم‌چنان باقی می‌ماند شامل کاربرد فعال دانش بنیادی از طریق کار کردن با سایر محصلان، مفاهیم و مشکلات و ربط دادن این دانش با زندگی واقعی‌شان و نیازهای جوامع‌شان (تفکر انتقادی، آموختن این‌که چگونه به صورت خلاقانه دانش فراگرفته شده از کورس را به کاربرد و آموختن نحوه‌ی حل کردن مشکلات زندگی واقعی و غیره) می‌گردد (Fink, 2013).



شکل ۲: رده‌بندی بلوم در مورد یادگیری معتبر که شامل شش نوع آموزش معتبر است.

این شش کتگوری باهمدیگر در تعامل اند. به عبارت دیگر، هر کدام از این انواع آموزش می تواند انواع دیگر را برانگیزد. شاید استفاده از تمام انواع این شش کتگوری وقت گیر به نظر برسد؛ اما هر قدر بیشتر آن ها استفاده شوند، به همان اندازه این هدف آموزشی همدیگر را کمک می کنند.

#### مقایسه آموزش محصل محور و محتوا محور

آموزش محصل محور، اصطلاح وسیعی است که برای توصیف شیوه هایی از تفکر در باره یاددهی و یادگیری به کار می رود که بر فعالیت و مسئولیت محصل در یادگیری بیش از محتوا و یا آنچه استادان باید انجام دهند، تأکید می کند. یادگیری محصل محور مسئولیت و فعالیت محصل را در قلب خود دارد. براساس یافته های تحقیقات، استادانی که معتقدند وظیفه آن ها پوشش دادن موضوع درس به صورت سیستماتیک از طریق انتقال اطلاعات به محصلان است، به احتمال زیاد رویکردهای یادگیری سطحی را در میان محصلان تشویق می کنند. از طرف دیگر، استادانی وجود دارند که آنچه را محصلان انجام می دهند و کیفیت بازده های یادگیری را که منتج از فعالیت محصل است، مهم تر از پوشش موضوع درس قلم داد می کنند. چنین استادانی تدریس شان را محصل محور توصیف می کنند، احتمالاً کم تر رویکرد سطحی یادگیری را در بین محصلان تشویق می کنند. جدول ۱ مقایسه آموزش محصل محور و استاد محور را نشان می دهد (Abdullah et al., 2012).

جدول ۱: مقایسه بین یادگیری محصل محور و استاد محور

| آموزش محصل محور                                                                                      | آموزش استاد محور                                                                      |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------|
| محصلان در طراحی یادگیری خود، تعامل با استادان و محصلان، تحقیق و ارزیابی مسئولیت و نقش فعال دارند.    | محصلان اغلب منفعل هستند، در محل صنف می‌نشینند و نقشی در طراحی یادگیری ندارند.         |
| محصلان درباره چگونگی یادگیری و محتوای مطالب قدرت انتخاب دارند.                                       | اکثر تصمیم‌ها توسط استاد گرفته می‌شود.                                                |
| تأکید روی یادگیری درهم‌تنیده در خلال برنامه درسی است.                                                | تأکید فقط روی یادگیری موضوع مورد بحث است.                                             |
| تأکید روی فعالیت‌های تحقیقی است.                                                                     | تأکید بر دریافت اطلاعات است.                                                          |
| استاد به‌عنوان راهنما، مشاور و تسهیل‌کننده یادگیری محسوب می‌شود.                                     | استاد به‌منزله فرد توزیع‌کننده و مجرب دانش و کنترل‌کننده فعالیت‌هاست.                 |
| تأکید بر انگیزش درونی (علاقه، کنجکاوی، مسئولیت) است.                                                 | تأکید بر انگیزش بیرونی (نمرات، تمجید استاد از محصل) است.                              |
| تمرکز بر یادگیری همکارانه است.                                                                       | یادگیری به‌صورت انفرادی و رقابت بین محصلان است.                                       |
| یادگیری همه‌جا می‌تواند صورت بگیرد.                                                                  | یادگیری به محل‌های ثابت تدریس محدود می‌شود.                                           |
| انعطاف‌پذیری بیش‌تری در یادگیری و یاددهی وجود دارد.                                                  | تالارهای سخنرانی، کتابخانه‌ها، لابراتوارها و غیره).                                   |
| انعطاف‌پذیری بیش‌تری در ارزیابی با حرکت به سمت متداول کردن خودارزیابی و همکار ارزیابی مشاهده می‌شود. | نظم و ترتیب طراحی شده نسبتاً غیرقابل انعطاف است.                                      |
| بر چشم‌انداز بلندمدت و یادگیری مادام‌العمر تأکید می‌شود.                                             | ارزیابی، با تأکید زیاد روی امتحان، مسئولیت استاد محسوب می‌شود.                        |
|                                                                                                      | برداشتن چشم‌انداز کوتاه‌مدت و تکمیل کردن کارخانگی و یادگیری برای امتحان تأکید می‌شود. |

با توجه به تمایزهای بسیاری که بین آموزش محصل محور و تدریس سنتی وجود دارد. اگر ما به هدف یادگیری مادام‌العمر متعهد هستیم، یادگیری هدف‌مندی که در سرتاسر زندگی اتفاق می‌افتد پس حرکت به سمت آموزش محصل محور فرایندی اصولی برای کمک به کسب این هدف است (Abdullah, 2020).

### نتیجه‌گیری

روش‌های فعلی تدریس در پوهنتون‌های افغانستان پاسخ‌گوی خواسته‌های امروزی در بازار کار نیست و مورد انتقاد جامعه می‌باشند. هزاران فارغ‌التحصیل پوهنتون‌های افغانستان به علت نداشتن مهارت‌های لازم برای بهره‌مندی در بازار کار آماده نیستند. استفاده از آموزش محصل محور با توجه به فراهم کردن

فرصت‌های یادگیری برای محصلان است که تفکر خلاق و انتقادی، مشارکت فعال محصل، قضاوت ارزشی و مهارت‌های قابل‌انتقال را تقویت می‌کند و فارغ‌التحصیل را برای پاسخ‌گویی به نیازمندی‌های جوامع و بازار کار آماده می‌سازد؛ اما وزارت تحصیلات عالی افغانستان برای تطبیق آموزش محصل محور در پوهنتون‌ها با چالش‌های روبرو است. نصاب‌های تحصیلی محتوا محور، رایج بودن روش‌های سنتی تدریس، کوچک بودن صنف‌ها و یا نبود صنف‌های کافی، کم‌بود کادر متخصص و آگاه از آموزش محصل محور، عدم استفاده از تکنالوژی معلوماتی در تدریس از جمله مشکلات جدی و مبرمی هستند که تحصیلات عالی برای پیاده‌سازی آموزش محصل محور در پوهنتون‌ها با آن‌ها مواجه می‌باشد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که تطبیق آموزش محصل محور در صنف‌ها به اساتید کمک می‌کند تا مواد درسی خود را بهتر طراحی و توسعه دهند و نتایج یادگیری را براساس نیازها و انتظارات محصلان تنظیم کنند. آموزش مبتنی بر محصل محور در انواع مختلف صنف‌هایی که در آن اساتید و محصلان به‌طور هدف‌مند در فرایندهای یادگیری و تدریس دخیل می‌شوند، کاربرد دارد. ایجاد یک صنف درسی تعاملی، انتخاب مواد معتبر، تنظیم نتایج یادگیری روشن، درک مفهوم کامل آموزش مبتنی بر نتایج و به‌کارگیری اصول آن از طریق کار مشارکتی و فعالیت‌های گروهی، مسائل اصلی برای کمک به اساتید در تغییر مسیر از استاد محوری به آموزش محصل محور هستند. نتایج نشان داده که بین روش تدریس محصل محور و میزان رشد و پرورش خلاقیت محصلان، رابطه معتبر وجود دارد و کمک می‌کند تا فارغ‌التحصیل آماده بازار کار باشند. بدین ترتیب معلوم می‌شود هر چه روش تدریس به شیوه محصل محوری نزدیک‌تر باشد در رشد و پرورش خلاقیت محصلان تأثیر بیش‌تری دارد و به افزایش علاقه‌مندی محصلان به درس، تعهد، اعتماد به‌نفس، استدلال، درک، مهارت‌های حل مسئله و توانایی نوآوری محصلان کمک می‌کند.

### پیشنهادهای

۱. نصاب درسی باید مطابق معیارهای جهانی بازنگری و تقویت شود.
۲. وزارت تحصیلات عالی برای تطبیق آموزش محصل محور در پوهنتون‌های افغانستان زمینه‌سازی کند و از آن به‌طور منظم نظارت نماید.
۳. برای نهادینه ساختن آموزش محصل محور در نظام آموزشی افغانستان باید وزارت تحصیلات عالی و وزارت معارف طرح‌ها و برنامه‌های مشترکی را جهت بلند بردن مهارت‌های استادان و آگاهی دهی از این رویکرد آموزشی جدید برای شاگردان در مکاتب و پوهنتون‌ها ایجاد نماید.

- Abdullah, M. N. L., Osman, S., Samsudin, M. A., Yusoff, M. S. B., & Ismail, H. N. (2012). Module 2: Philosophy of Student-centered Learning (SCL). Universiti Sains Malaysia .
- Abdullah, M. N. L. Y. (2020). Student-Centered Philosophies and Policy Developments in Asian Higher Education. In *The Routledge International Handbook of Student-Centered Learning and Teaching in Higher Education* (pp. 581-596). Routledge .
- Akramy, S. A. (2021). Implementation Of Outcome Based Education (OBE) In Afghanistan Universities: Lecturers' Voices. *International Journal of Quality in Education*, 5(2), 27-47 .
- Al Faruki, M. J., Haque, M. A., & Islam, M. M. (2019). Student-centered learning and current practice in Bangladeshi college education. *Journal of Education and Practice* , 10(13), 95-107 .
- al Ghouti, M. (2022). Impacts on Student Learning and Skills and Implementation Challenges of Two Student-Centered Learning Methods Applied in Online Education .
- Fink, L. D. (2013). *Creating significant learning experiences: An integrated approach to designing college courses*. John Wiley & Sons .
- HEDP. (2016). <http://www.hedp.af/report-center/>
- HEP-AF. (2010). CAPSTONE PROJECT. HEP-AF .
- Klemenčič, M. (2017). From student engagement to student agency: Conceptual considerations of European policies on student-centered learning in higher education. *Higher education policy*, 30(1), 69-85 .
- Mayer, S. (2022). *Engaging Female Students in Judaic Studies through Student-Centered Learning* Fordham University .
- Mohayidin, M. G., Suandi, T., Mustapha ,G., Konting, M., Kamaruddin, N., Man, N. A., Adam, A., & Abdullah, S. N. (2008). Implementation of Outcome-Based Education in Universiti Putra Malaysia: A Focus on Students' Learning Outcomes. *International Education Studies*, 1(4), 147-160 .
- NSIA .(2021) .National Statistics and Information Authority (NSIA). <http://nsia.gov.af/library>
- Purwandari, R., Marinda, A. B., & Hakam, M. (2018). Correlation between Student Centered Learning (SCL) and Learning Motivation of Nursing Student at Faculty of Nursing, University of Jember .
- Rehna, J., Siddique, A., & Antoney, L. (27 March 2018). *Effective Teaching and Meaningful Learning through SCL Beliefs and Practices* Smart Education and Technology Symposium (SETS 2018) at ibra College of Technology, Oman .
- TB, J & .Mohd Yusoff, N. (2010). Nigerian students' perceptions on student-centered learning (SCL) .
- WorldBank. (2015). International development association, project appraisal document, of a proposed grant. <http://www.artf.af/images/uploads/HEDP>

- Yusoff, N. M., Abdul Karim, A. M., Othman, R., Mohin, M., & Abdull Rahman, S. A. (2013a). Student-Centred Learning (SCL) In The Malaysian Higher Education Institutions. ASEAN Journal of Teaching & Learning in Higher Education, 5 .
- Yusoff, N. M., Abdul Karim, A. M., Othman ,R., Mohin, M., & Abdull Rahman, S. A. (2013b). STUDENT-CENTRED LEARNING (SCL) IN THE MALAYSIAN HIGHER EDUCATION INSTITUTIONS. ASEAN Journal of Teaching & Learning in Higher Education, 5 .